

## پیشگفتار

تلویزیون چیست و چه جایگاهی در زندگی افراد، گروه‌ها و جوامع معاصر دارد؟ مهم‌تر آنکه، چگونه و با استفاده از کدام مفاهیم نظری می‌توانیم آن را مطالعه کنیم و بشناسیم؟ چرا باید برای شناخت و مطالعه آن همت و وقت و انرژی صرف کنیم؟

کتاب پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های فرعی بسیار است که از پاسخ‌های ارائه‌شده ناشی می‌شود. در آغاز کتاب لازم می‌دانم، نه صرفاً از سر تواضع، بلکه برای روشن ساختن موضع خود و نیز کمک به تعیین حدود انتظارات خوانندگان، اعتراف کنم هدف من نوشتن یک منبع کامل و جامع برای شناخت و مطالعه تلویزیون نیست؛ چراکه معتقدم چنین هدفی قطعاً در پی سراب رفتن است و محکوم به یأس من نویسنده و شمای خواننده. این واقعیت نیز تنها از محدودیت در وقت یا دسترسی به منابع معتبر و جدید و حتی از ظرف محدود کتاب نوشتاری، آن هم از نوع دانشگاهی و درسی ناشی نمی‌شود؛ زیرا به هر حال کتاب محبوس در دام کلمه و حداکثر بهره‌مند از اندکی نمودار و شکل است. علت اصلی محدودیت مزبور و واقع‌بینی من در تعیین انتظار از این کتاب به ماهیت و اساس چندبعدی و چندمنظری تلویزیون برمی‌گردد که هنوز هم در حال دگرگونی و (باز)شدن مستمر است و گسترش ظرافت‌های نظری و دقت‌های روش‌شناختی در مجموعه علوم اجتماعی و انسانی معاصر، با افکندن پیوسته نور معرفت بر ابعاد مختلف آن، بیش از هر چیز دیگر، از پیچیدگی و ناشناختگی محتوا و آثار آن حکایت دارد. عرصه در حال رشد و نوشونده تلویزیون، فروغ هر ادعایی مبنی بر جامعیت و کمال را چونان شمعی در مسیر طوفان خاموش خواهد کرد.

این کتاب با رویکردی «مقدمه‌ای» نوشته شده و هدف اساسی آن کمک به کسب شناخت کلی و پایه‌ای از مباحث مفهومی و نظری است؛ از این رو، می‌تواند برای پژوهش‌های موردی از منظر معرفت‌شناسی - روش‌شناختی مفید باشد، اما به نحوه انجام دادن پژوهش‌ها نمی‌پردازد. از سوی دیگر، این کتاب لاجرم و در راستای هدف اساسی‌اش، به تاریخچه تکنولوژی‌های ارتباطی و نظریه‌های مربوطه نیز خواهد پرداخت؛ با این حال، کتاب تاریخ این حوزه‌ها و رشته‌ها نیز نیست. همچنین، در فصل‌های مختلف کتاب پیش‌رو، مفاهیم، نظریه‌ها،

مکاتب، و نظریه پردازان متعددی شرح داده شده‌اند، اما باز هم نباید از این کتاب انتظار ایفای نقش مجموعه‌ای وسیع و ضروری از کتاب‌ها و دائرةالمعارف‌های مربوط به مفاهیم کلیدی<sup>۱</sup> یا زندگی‌نامه‌نگاری‌های نظریه پردازان را داشت. همچنین در فصل‌های چهارم و پنجم و ششم تلاش کرده‌ام با ذکر نمونه‌هایی از پژوهش‌های دانشگاهی در دسترس و انجام شده زیر نظر اینجانب، به روشن ترشدن مباحث کمک کنم و برای این کار از جدیدترین پایان‌نامه‌های دانشگاهی بهره برده‌ام.

### موضوع کتاب: تلویزیون و مطالعات تلویزیونی

تلویزیون در طول بیش از نیم قرن گذشته و هنوز هم، جزء بسیار مهمی از زندگی مدرن جوامع بشری و عاملی محوری در شکل دادن به تمامی عرصه‌های مدرن زندگی بوده است. شاید خوانندگان جوان این کتاب «عصر قبل از تلویزیون» را تجربه نکرده باشند، اما به احتمال قوی، والدین و بزرگ‌ترهای اطرافشان سال‌های کودکی و حتی جوانی خود را به یاد دارند: دنیا و زندگی بدون تلویزیون و قطعاً بدون ویدئو و ماهواره. البته هنوز بسیاری از ما عصر تلویزیون سیاه و سفید، آن هم با کانال‌های معدود را به یاد داریم.

امروزه تلویزیون را باید پدیده‌ای واقعاً جهانی دانست. از سال ۱۹۹۹ م. که کشور بوتان<sup>۲</sup> شبکه تلویزیونی ملی خود را راه‌اندازی کرد دیگر هیچ کشوری در کره زمین بدون کانال‌های تلویزیونی وجود ندارد. نیاز به ذکر نیست که وضعیت و کارکردهای تلویزیون در کشورها و فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های بسیاری دارد و جهانی بودن آن به هیچ وجه به معنای هستی یکسان آن در کشورهای متفاوت نیست. این اختلاف‌ها به‌ویژه در مقایسه بین کشورهای دارای سطوح توسعه و نیز ساختار سیاسی و بافتار فرهنگی متفاوت به‌طور کامل مشهود است. شاخص‌های متعدد مربوط به رواج تلویزیون و حجم مصرف محتواهای آن از گستردگی جهانی‌اش حکایت دارد. در کشورهای پیشرفته، آمار یک دستگاه تلویزیون برای هر شهروند دیگر دور از انتظار نیست. آمارهای مربوط به ایران نیز نشان‌دهنده گسترش نفوذ و مصرف تلویزیون است.

امروزه تلویزیون در زندگی و نظام اجتماعی تنیده شده است و در تمهید تعاملات افراد و ساختارهای جامعه به عنوان عامل ایجاد یا انتقالی، نقشی بی‌بدیل دارد. این رسانه ارتباطی

1. key concepts

۲. کشوری در جنوب آسیا (Bhutan).

جمعی، به معنای دقیق و کامل کلمه، واسطه ارتباطات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی است و در میان چهارراه ارتباطات افقی و عمودی قرار دارد. تلویزیون در بیشتر کشورها و برای اغلب مردم به نقطه کانونی زندگی روزمره تبدیل شده است: رسانه‌ای که بخش قابل توجهی از شناخت اجتماعی با واسطه بینندگان از آن سرچشمه می‌گیرد و بیشترین وقت فراغت و سرگرمی با آن سپری می‌شود. رسانه تلویزیون به دلیل عرضه جریانی مستمر و بدون وقفه از محتوای صوتی-تصویری که دیدن و شنیدن را به صورت توأمان ممکن می‌سازد، قابلیت نامحدودی برای ارائه انواع اصلی محتواهای ارتباطی (اخبار و اطلاعات، فرهنگ و هنرها، تفریح و سرگرمی و آموزش) دارد.

نام تلویزیون که در زبان فارسی، به تابعیت از زبان فرانسوی، به صورت تلویزیون تلفظ می‌شود، از دو جزء «tele» تله (از ریشه یونانی، به معنای دور) و «vision» ویزیون (از ریشه لاتین [که در زبان انگلیسی ویژن تلفظ می‌شود]، به معنای دیدن، بینایی و بصیرت) ساخته شده است. این ترکیب به ظاهر ساده کلید درک ابعاد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی پدیده چندبعدی تلویزیون را در خود دارد: تلاش تاریخی انسان برای رهاشدن از حصار مکان و زمان و جایگاه تلویزیون در این تکاپوی تاریخی. انسان محصور در این زندان پیوسته آرزو و تلاش کرده و خیال آن را پرورانده است تا به نحوی توان دیدن دوردست‌ها و ماوراهای محدوده قابل دیدن با چشم سر را داشته باشد! قرن‌ها و هزاره‌های متمادی، انسان‌ها زندگانی را با حسرت ناشی از ندیدن بیرون از محدوده تنگ تجربه حضوری به سر برده‌اند و بسی قبل از اختراع فناوری‌ای که چنین آرزویی را عملی کند، آن را در تخیل خود مجسم کرده‌اند: دیدن دوردست و وسیله‌ای که چنین عمل آرمانی و آرزومندانه‌ای را ممکن سازد. شاید بتوان گفت که سرنوشت استعاره‌ای و اسطوره‌ای تلویزیون، قرن‌ها قبل از اختراعش رقم خورده بود و باز هم شاید بتوان همین سرنوشت از قبل تعریف شده را بهترین توجیه برای رواج فراوان تعبیر استعاره‌ای و اسطوره‌ای مربوط به تلویزیون دانست.

بسیار بیش و پیش از آنکه تلویزیون در درون مدل‌های نظری علوم اجتماعی مطالعه شود، منتقدان ادبی و هنری و حتی توده‌های مردم آن را چیستان و معمایی<sup>۱</sup> دانسته‌اند که صد زبان دارد و هزار چهره و بی‌نهایت نظر و منظر و منظور: روزنه، آئینه، جعبه جادو، پنجره (ای رو به دنیا و واقعیت خارجی)، جام جهان‌نما، جام جم (جمشید)، برج بینایی<sup>۲</sup> و... برخی از این

1. enigma

2. panopticon

عبارت‌ها، استعاره و اسطوره‌اند. البته در رویکردهای ادبی، هنری و نمایشی نیز تلویزیون را با قالب‌های پیش از آن مقایسه کرده و اصطلاحات دیگری را برای توصیف آن به کار برده‌اند: سینمای خانگی، تئاتر خانگی، قصه گو و راوی.

این کتاب به معرفی و تشریح عمده‌ترین مباحث جاری در محافل دانشگاهی با عنوان کلی «مطالعات تلویزیونی» اختصاص دارد. در همین آغاز سخن، باید گفت هر دو جزء این عبارت و لاجرم ترکیب آن‌ها، خلاف انتظار، وضوح و روشنی غیرقابل مناقشه‌ای ندارد و نیاز به شرح دارد. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، ابهام مفهوم تلویزیون، خلاف رواج و کاربرد روزمره و جهانی‌اش، نشان از یک مسئله بنیادین هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دارد. اگر چنین نبود که از بنیان، ضرورت و مشروعیت مطالعه اشتراکات و اختصاصات آن مطرح نمی‌شد. به بیان دیگر، اساساً مطالعات تلویزیونی می‌کوشد با ارائه پاسخ به سؤال‌های مربوط به چیستی و چگونگی محتوا و کاربردهای اجتماعی تلویزیون، در نهایت به شالوده‌شکنی و بازشناسی تلویزیون پردازد.

مطالعات و پژوهش‌های دانشگاهی درباره تلویزیون و آثار آن بر جامعه و مخاطبان به سال‌های اول ظهورش در نقش یک رسانه ارتباط جمعی برمی‌گردد. از سال‌های دهه ۱۹۴۰ م. مطالعه و پژوهش درباره خود تلویزیون یا ابعاد مختلف اجتماعی آن در درون بخش‌های مختلف علوم آکادمیک (انسانی و اجتماعی) و با استفاده از چارچوب‌های نظری و روش‌شناسی‌های متداول این علوم موضوعیت داشته است. این رشته‌ها تلویزیون را همانند سایر رسانه‌های جمعی (مانند مطبوعات، سینما و رادیو) یا به مثابه یک شکل جدید و نوظهور، برای عرضه هنری (ادبیات، نمایش یا فیلم) تلقی و مطالعه می‌کردند؛ اما اصطلاح «مطالعات تلویزیونی» مترادف با تمامی این ملاحظات نظری و روش‌شناسی متداول در علوم انسانی و اجتماعی نیست. مطالعات تلویزیونی با استفاده از مفاهیم و نظریه‌های خاص‌تر که در طول دهه‌های متمادی و به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد و صرفاً برای مطالعه ویژگی‌های منحصر به فرد و اختصاصی تلویزیون ابداع و عرضه شده‌اند، به مطالعه این رسانه می‌پردازد.

به دیگر سخن، مطالعات تلویزیونی، ضمن بهره‌گیری از نظریه‌ها و روش‌شناسی‌های علوم و تکریم تلاش‌های متخصصان و دانشمندان دیگر، بر آن است که تلویزیون را علاوه بر تشابهات ساختاری، محتوایی و کارکردی‌اش با سایر رسانه‌های ارتباطی و قالب‌های ادبی و نمایشی، بر فراز و مقامی خاص قرار دهد و مطالعه کند. البته این سخن و ادعا به این معنی نیست که تلویزیون برتر از سایر رسانه‌ها است، بلکه همچنان که مثلاً رادیو به دلیل تکیه‌اش بر

صدا و گوش ویژگی انحصاری دارد، تلویزیون نیز دارای ترکیبی کاملاً خاص از ویژگی‌هاست که آن را از سایر رسانه‌های جمعی متمایز می‌کند. تلویزیون را به عنوان یک رسانه ارتباطی (به طور مشخص جمعی)، یک فناوری (ابزار، دانش و فرایند)، یک وسیله قدرت (برای رواج ایدئولوژی و تحکیم سلطه)، یک محصول الکترونیکی، یک وسیله همگانی خانگی و خانوادگی و یک منبع محتواهای نمادین (خبری، تفریحی، هنری و آموزشی) مطالعه کرده‌اند، اما مجموع این ویژگی‌هاست که «شیء پدیدۀ» چندبعدی و چندلایه‌ای تلویزیون را تشکیل می‌دهد؛ هرچند بر اساس هریک از این ابعاد مختلف، می‌توان تشابهات بسیاری با سایر ابزارها، رسانه‌ها، اشیاء و پدیده‌های اجتماعی معاصر پیدا کرد. توسعه مطالعات تلویزیونی نتیجه توجه به این وجوه متمایزکننده و انحصاری تلویزیون بوده است.<sup>۱</sup>

### خوانندگان کتاب

کتاب حاضر مباحث مطرح در مطالعات تلویزیونی را به اختصار در بر دارد و برای دانشجویان دوره‌های تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم ارتباطات و مطالعات فرهنگی نوشته شده است. این کتاب رویکردهای انتقادی به تلویزیون را تشریح می‌کند و مفاهیم کلیدی مطالعات تلویزیونی را که هر دانشجوی مطالعات رسانه می‌بایست بداند، معرفی می‌کند. همچنین با هدف درک بهتر و عمیق‌تر مفاهیم، جدول‌ها و نمودارهایی در برخی فصل‌ها آورده شده است. در این کتاب، مجموعه‌ای از مفاهیم و موضوعات مطرح در حوزه مطالعات تلویزیونی به دقت شرح داده شده است تا نحوه صحیح تفکر انتقادی درباره تلویزیون به علاقه‌مندان این رشته نشان داده شود. دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و سایر رشته‌های مشابه نیز در درس‌های مربوط به ارتباطات جمعی، رسانه‌ها یا خود تلویزیون و البته دانشجویان رشته‌های کارگردانی و تولید تلویزیونی و فیلم و سینما نیز مباحث بسیار مفیدی در این کتاب خواهند یافت.

تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی، تهیه‌کنندگان، فیلم‌نامه‌نویسان و تمامی دست‌اندرکاران تولید برنامه‌های تلویزیونی، اغلب با سازمان‌های تولید و پخش تلویزیونی در ارتباط‌اند، اما شاید با پژوهش‌های متنوع در حوزه تلویزیون بیگانه باشند؛ بنابراین آن‌ها نیز از

۱. در این مورد در فصل اول مباحث مفصل‌تری آورده شده است.

مطالعه این کتاب بی‌نیاز نیستند. شناخت بهتر ماهیت تلویزیون، مخاطب و نحوه مواجهه انتقادی با تلویزیون، بر کیفیت برنامه‌های تلویزیون تأثیر چشمگیری خواهد گذاشت. در آخر، مدیران و سیاست‌گذاران تلویزیون، ناگزیر از مطالعه هرچه بیشتر در این حوزه و جرح و تعدیل سیاست‌های اجرایی خود هستند.

### کاربردهای کتاب

به‌رغم محدودیت‌هایی که در پیشگفتار آمد، این کتاب می‌تواند در همه رشته‌های مربوط به تولید، مدیریت، نقد و پژوهش تلویزیونی یا محتواهای آن هرچند به‌عنوان راهنمایی اولیه - مفید باشد. برای افزایش قابلیت بهره‌وری کتاب چند تمهید فراهم شده است: در ابتدای هر فصل فهرستی از محورهای مباحث و مفاهیم آن فصل آورده شده است تا شناختی پیشین را به‌دست دهد. در داخل فصل‌ها از نمودار و جدول و شکل استفاده شده است تا بر قابلیت آموزشی مباحث بیفزاید. همچنین پانوشتهای متعددی در پایان فصل‌ها آمده و علاوه بر شرح بیشتر، منابع برای مطالعات بیشتر معرفی شده‌اند. در پایان فصل‌ها نیز چند تمرین و پرسش برای سنجش خودآموزی خوانندگان آورده شده است. علاوه بر این تمهیدات، برای فائق آمدن بر جبر تأسّف‌بار ارتباط یک‌سویه نوشتاری از طریق رسانه کتاب و برقراری امکان ارتباط با خوانندگان، ایمیلی اختصاصی برای این کتاب (به آدرس: television.studies@gmail.com) ثبت کرده‌ام که تا زمان راه‌اندازی امکان مناسب‌تر و دوسویه (مانند سایت یا صفحه اختصاصی در یکی از شبکه‌های اجتماعی موجود مانند فیسبوک یا اینستاگرام) بتواند محملی برای ارتباط خوانندگان با من باشد. از این طریق خواهم توانست ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، منابع دیجیتال در دسترس را با خوانندگان به اشتراک بگذارم<sup>۱</sup> و همچنین نظرها و انتقادهای آن‌ها را گردآوری و ان‌شاءالله در ویرایش‌های بعدی از آن‌ها استفاده کنم.

نیاز به گفتن نیست که شناخت و مطالعه تلویزیون می‌تواند خواننده را به توانمندی حاصل از این آگاهی نیز رهنمون سازد و از این طریق، علاوه بر ارائه شناخت دارای کاربردهای درسی و دانشگاهی، وی را به یک مخاطب فعال‌تر و منتقدتر تبدیل کند. من بر این باور راسخم که در سلطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی عصر جهانی شدن و دوران پسامدرنیته، همه ما به‌عنوان شهروندان منتفع/گرفتار در درون ساختارهای سیاسی و فرهنگی (بومی و جهانی)، نیازمند دانش و

۱. با این تعهد اخلاقی دریافت‌کننده که هیچ‌گونه بهره‌برداری مالی از آن‌ها صورت نگیرد.

مهارت‌های حاصل از آن هستیم تا فردیت و عقلانیت خود را از گزند گردانندگان رسانه‌ها و مطامح و مصالح آن‌ها در امان نگاه داریم. تولیدکنندگان و سازمان‌های بزرگ رسانه‌ای دنیا (به‌ویژه رسانه صوتی-تصویری تلویزیونی) در حال افزایش تولیدات نمادین فرهنگی و پیام‌های بسیار متنوع و گوناگون‌اند. این محتواها نیز با سهولت و سرعت فزاینده در دسترس و مورد مصرف انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ لاجرم، کم‌وبیش بر زندگی و ادراکات ما و بر جهان زیست-فیزیکی و بین‌الذهانی پیرامون ما تأثیراتی شگرف می‌گذارند. این سازوکارها و پیامدهای عینی و ذهنی آن‌ها بنیان قدرت نابرابر (بین‌المللی و درون-ملی) برای عرضه بازنمایی‌ها و اثرگذاری بر ادراکات دیگران را تشکیل می‌دهد: قدرت معطوف به، و ناشی از، عرضه نگاه و دیدگاه آن‌ها به جهان (آن‌چنان که هست و آن‌چنان که می‌تواند و باید باشد) به من و ما.

اینجاست که آگاهی هرچه بیشتر از چیستی رسانه‌ها و کیستی گردانندگان آن‌ها می‌تواند بر قدرت ما برای خوانش و تفسیر مستقل و مقاومتی محتواها بیفزاید. از این طریق ما می‌توانیم مجموعه محتواها (از نشانه‌ها و دلالت‌های جزئی تا روایت‌ها و ایدئولوژی‌های کلان و زیرین) را با اراده و گزینشگری بیشتر دریافت کنیم و به برساختن انتقادی معانی شخصی‌تر پردازیم. اصلی‌ترین هدف آموزشی این کتاب، پرداختن به رویکردهای انتقادی یا تلاش برای آموزش مستقیم سواد رسانه‌ای و تلویزیونی نیست. به‌رغم این، کتاب پیش‌رو و مطالعه دقیق آن، خوانندگان را در این مسیر یاری می‌کند و چنین کارکردی تا حدودی ناشی از این حقیقت است که رشته‌های مطالعات رسانه‌ای، مطالعات فرهنگی - و در نتیجه، مطالعات تلویزیونی - تا حد زیادی میراث‌بر مطالعات انتقادی‌اند. این رشته‌ها در بطن خود نوعی تضاد و تنش را نهفته دارند و راز زاینده‌گی نظری و سرچشمه نوآوری‌های پژوهشی این رشته‌ها را نیز باید در همین تضاد جست. همان‌گونه که سیلوراستون (۱۹۹۴: ۱۴۷) باور دارد این تضاد و تنش ذاتی به یک دیالکتیک در قلب واقعیت اجتماعی اشاره دارد: «دیالکتیک مربوط به نقش و جایگاه رسانه‌ها در زندگی اجتماعی، دیالکتیک آزادی و موانع آزادی، فعالیت و انفعال، عرصه خصوصی و عرصه عمومی. همان دیالکتیکی که در تقابل بین نیروهای نهادی و اعمال فرد تجلی می‌یابد و به‌طور تاریخی، در گفتمان‌های متضاد زندگی روزمره جا گرفته و تنیده شده است».

### سیاسگزاری

بدون تردید کتاب حاضر مرهون محبت‌های بسیاری است و من مدیون فرصت‌ها و رحمت‌های بسیاری‌ام. اغراق نیست اگر بگویم نگارش این کتاب بیش از پانزده سال به طول انجامیده است و

در این دوران، دانشجویان دروس مطالعات تلویزیونی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران با مشارکت در مباحث، پرسش‌های هوشمندانه مطرح کرده حتی با سماجت‌های زیبا، نقد و نظر، رد و انکار، و دیگر فنون تفاهم و استفهام در هدایت نا/خودآگاه من در چگونگی و چرایی پرداختن به بخش‌های مختلف کتاب تأثیری شگرف گذاشته و خاطراتی مانا آفریده‌اند - سپاسشان باد که شوقشان معلمی را شیرین و آموزنده کرده است و می‌کند! ده‌ها دانشجوی ارشد و دکترا در مسیر تحقیق پایان‌نامه‌ها و رساله‌های خود و با راهنمایی و مشاوره من گام در راه مطالعات تلویزیونی گذاشتند و به خلق بدنه‌ای از ادبیات ایرانی کمکی شایان کردند. اینان، با پذیرش بدخلقی‌های گهگاه و کمبودهای همیشگی این حقیر و همکاری‌های بعضاً ناکافی دست‌اندرکاران این حوزه، استوار ماندند و ذره‌ذره در صخره سخت جهل کردند و کاویدند - راهشان پر نور و امیدشان روزافزون بادا که متاع علم را پاس می‌دارند و درخت دانایی می‌کارند!

چندین محقق و استاد همدرد و همکار در کار تشویق و انگیزه‌آفرینی و نیز نقد و داوری من و کتاب، سهمی جدی داشته‌اند و برای من در طول سال‌های متمادی به‌مثابه تمثیل و تشبیه رفیق شفیق و دیگری مهم نقش آفرین بوده‌اند. از جمله اینان نامی به نیکی می‌برم از قلیلی و عذر تقصیر دارم خدمت دیگران کثیر: عبدالله بیچرانلو، مسعود کوثری، محمدرضا رسولی و علی اصغر سلطانی. چاپ و نشر کتاب با همکاری دلسوزانه کارشناسان و مدیران انتشارات وزین «سمت» به انجامی نیکو رسیده است و از یکایک این عزیزان سپاسگزارم و توفیق روزافزونشان را مسئلت دارم.

و در پایان گرامی می‌دارم یاد خانم بهناز (رها) راشدی اشرفی - دانشجوی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد گروه ارتباطات دانشگاه تهران - را که بازبینی و تکمیل و به‌روزرسانی منابع کتاب و ویرایش نهایی ایشان همراه با پیگیری دلسوزانه و مصرانه‌اش، کتاب حاضر را به سرانجام رساند، اما صد افسوس که اجل نگون‌بخت مهلت نداد تا با تقدیم نسخه‌ای چاپی سپاسش گویم و قدردانی‌ام را بنمایانم - صد فاتحه تقدیمش باد!

دکتر مهدی منتظر قائم

مرداد ۱۴۰۱